

مقایسه تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد

مرضیه رهروان^۱، رضا سلطانی شال^۲، رضا شهابنگ^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد بود. طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانش-آموزان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد در دوره متوسطه دوم سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در شهرستان رشت بود. نمونه شامل ۶۰ دانش‌آموز دختر دارای پدر وابسته به مواد و ۶۰ دانش‌آموز دختر بدون پدر وابسته به مواد بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند و به پرسش‌نامه تعارض والد-فرزند و پرسش‌نامه هوش هیجانی پاسخ دادند. نتایج نشان داد که بین نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد در تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود داشت. بدین صورت که نوجوانان دختر با پدر وابسته به مواد تعارض والد-فرزند بیشتر و هوش هیجانی کمتری در مقایسه با نوجوانان دختر بدون پدر وابسته به مواد داشتند. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که وابستگی به مواد در پدر می‌تواند عاملی موثر در افزایش تعارض‌های والد-فرزند و کاهش هوش هیجانی در دختران نوجوان باشد.

کلید واژه‌ها: تعارض والد-فرزند، هوش هیجانی، پدران وابسته به مواد، نوجوانان دختر.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران. پست الکترونیک: Reza.shabahang@ut.ac.ir

مقدمه

مصرف مواد مخدر از خطرناک‌ترین پدیده‌های جوامع انسانی در عصر حاضر به شمار می‌رود. امروزه وسعت اعتیاد در جهان چنان گسترش یافته که به شکل یک بیماری مزمن و اجتماعی درآمده است. اعتیاد به عنوان ناهنجاری روانی-اجتماعی تلقی می‌شود که از مصرف غیرطبیعی و غیرمجاز برخی مواد مانند الکل، تریاک و حشیش ناشی شده و باعث وابستگی در عملکرد جسمی، روانی و اجتماعی فرد معتاد می‌شود. اعتیاد اثرات زیانباری بر جای می‌گذارد و در موارد شدید حتی زندگی فردی و اجتماعی فرد را به طور جدی تهدید می‌کند. اعتیاد به مواد مخدر یک اختلال عودکننده مزمن است و ابعاد مختلف رفتاری، شناختی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود که تنها خود فرد بلکه جامعه را نیز در بر دارد. در سال‌های اخیر اعتیاد به مواد مخدر به عنوان معضلی جهانی، وقت و هزینه‌های بسیاری را برای دست‌اندرکاران بهداشتی، اجتماعی و حتی سیاسی کشورها به همراه داشته است. دشواری‌های ناشی از اعتیاد همه بعدهای زندگی فرد، خانواده و حتی جامعه را تحت تاثیر مخرب خود قرار می‌دهد و منابع عظیم اجتماعی را در قلمرو مادی و معنوی به هرز می‌برد (مدبرنیا، میرحسینی، تبری و عطرکار روشن، ۱۳۹۲).

اعتیاد و سوءمصرف مواد نتیجه عوامل اجتماعی، خانوادگی و شخصیتی است. از جمله پیامدهای اعتیاد افت تحصیلی فرزندان، افزایش آمار طلاق و خشونت‌های خانوادگی است (وست و براون، ۲۰۰۶). مصرف مواد نه فقط سلامت فرد، بلکه سلامت خانواده و جامعه را نیز به خطر می‌اندازد و موجب انحطاط روانی و اخلاقی فرد می‌شود. سوءمصرف مواد و وابستگی به مواد و داروها مانند هر اختلال دیگری هرگز نمی‌تواند یک علت مشخص و واحد داشته باشد، بلکه پدیده‌ای است چند عاملی که مجموعه‌ای از عوامل سبب بروز آن می‌شوند. در حیطه سبب‌شناسی اعتیاد یکی از حوزه‌های مورد توجه و صاحب نفوذ رویکرد روان‌شناختی است (پرویزی، احمدی و نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۸۴). در این راستا، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در گرایش افراد به سوءمصرف مواد و پیامدهای ناشی از آن،

خانواده و نحوه عملکرد آن است. خانواده نخستین نهاد جامعه‌پذیری فرزندان و یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده شکل‌گیری شخصیت است. خانواده ارزش‌ها را انتقال می‌دهد، اخلاق را بهبود می‌بخشد و رفتارها را اصلاح می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشکلات در عملکرد خانواده با رفتار ضداجتماعی، پرخاشگری و افت تحصیلی در جوانان ارتباط دارد. همچنین مشخص شده است که تعارض‌های موجود در خانواده نقش بسزایی در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر ایفا می‌کند (آقا، زیا و ایرفان، ۲۰۰۸). صاحب‌نظران بر این باورند که رابطه مناسب والد و فرزند نقش چشم‌گیری در تحول سلامت روان فرد ایفا می‌کند (کندی، کیم، تریپودی، بروون و گودی، ۲۰۱۶). الگوی سالم رابطه والد و فرزند یکی از مؤلفه‌های اساسی در رشد و تربیت فرزندان به شمار می‌آید که در شکل‌گیری بسیاری از ابعاد همچون شخصیت، نگرش‌ها، هیجانات و احساسات مؤثر است (نیک، بارت، پریوت و شانلی چاتام، ۲۰۱۶). به‌طوری که این رابطه می‌تواند به پذیرش فرد از سوی خانواده کمک کند و در ارتباطات بعدی فرد، تنظیم هیجان، سازش‌یافتگی و روابط با اعضای خانواده و همسالان نقش مهمی را ایفا کند (کندی و همکاران، ۲۰۱۶). سطوح بالای کیفیت روابط والد و فرزند موجب اعتماد به نفس بالا، خودمختاری، خودکارآمدی، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره مثبت در فرد می‌شود. بالعکس تعارض در رابطه والد-فرزند می‌تواند منجر به احساس ناایمنی، اضطراب و بروز رفتارهای ضداجتماعی در بزرگسالی شود (لئونگ، تی سانگ، سین و چوی، ۲۰۱۶). در واقع تعارض با والدین عبارت است از چالش‌های ارتباطی و تعارضی که در حین رشد در بین اعضای خانواده ایجاد می‌شود (ازمت و بی‌اوقلو، ۲۰۰۹) که نشان‌دهنده وجود خلاء بین فرزندان و والدین آنها است. در این وضعیت ناهمگون، والدین نوجوانان را ناسازگار می‌دانند و نوجوانان هم رفتار والدین خود را قبول ندارند (برجعی، ۱۳۹۲).

فرزندان والدین معتاد، بسیاری از مشکلات هیجانی، شناختی، اجتماعی و رفتاری را

1. Agha, Zia & Irfan
2. Kennedy, Kim, Tripodi, Brown, & Gowdy

3. Niec, Barnett, Prewett & Shanley Chatham
4. Leung, Tsang, Sin, & Choi
5. Ozmete & Bayoglu

تجربه می‌کنند. شواهد پژوهشی حاکی از آن است که دامنه وسیعی از مشکلات خاص در فرزندان والدین معتاد دیده می‌شود. این کودکان خشن، افسرده و به طور کلی دارای اعتماد به نفس پایین تری هستند (دمونیکو و ویندل^۱، ۱۹۹۳؛ فیتزگراالد^۲ و همکاران، پیشرفت تحصیلی و توانایی زبانی آن‌ها پایین است و حضورشان در مدرسه نامنظم است (شر، والیتزر، وود و برنت^۳، ۱۹۹۱). به علاوه، آن‌ها رفتارهای ضداجتماعی از جمله دوری از ارتباط و خشونت کلامی را نشان می‌دهند. این کودکان از عدم وجود یک محیط حمایت‌کننده و ثابت که بتواند در آن‌ها اعتماد و هویت استواری را پرورش دهد، رنج می‌برند. این در حالی است که این ویژگی‌ها برای دست‌یابی به شخصیت بالغ و توانایی کنترل زندگی شخصی ضروری هستند (هاولی و بروون^۴، ۱۹۸۱). محققان به این نتیجه رسیده‌اند که هیجان نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی نظیر سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تنش‌زا ایفا می‌کند. یکی از این ابعاد، هوش هیجانی است که با موفقیت دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف رابطه دارد و به عنوان زیرمجموعه‌ای از هوش اجتماعی تعریف شده و شامل شناخت و کنترل هیجان‌های خود است. به عبارت دیگر، هوش هیجانی شامل توانایی انجام استدلال دقیق در مورد احساسات عاطفی، برای ارتقاء سطح تفکر است (اکسترمررا و ری^۵، ۲۰۱۶). بر اساس الگوی سالووی، مایر، گلنن، تروی و پالفای^۶ (۱۹۹۵) هوش هیجانی توانایی شناسایی هیجان‌های خود و دیگران، تمایز بین آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت افکار و اعمال فرد است. افرادی که هوش هیجانی پایینی دارند در ارزیابی صحیح و ابراز هیجان، تنظیم مؤثر تجربه‌های هیجانی و توانایی به کارگیری احساسات برای هدایت افکار و رفتار مشکل دارند. در همین راستا نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که نمرات بالا در پرسش‌نامه هوش هیجانی با سطوح پایین برخی رفتارهای پرخطر مانند سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی رابطه

1. Domenico & Windle
2. Fitzgerald
3. Sher, Walitzer, Wood & Brent
4. Hawley & Brown

5. Extremera & Rey
6. Salovey, Mayer, Goleman, Turvey & Palfai

دارد (رایس^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ میکلازاک، پتریدس و هوری^۲، ۲۰۰۹). به اعتقاد هررا، بایتراگو، لورنزو و بادئا^۳ (۲۰۱۵) توانمندی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در موفقیت به شمار می‌روند. لذا، افراد باهوش هیجانی بالا قادر هستند که حالات روانی خود را تنظیم کنند، با دیگران همدلی کنند و در شرایط حساس امیدوار باشند. هوش هیجانی ممکن است بهترین پیش‌بینی‌کننده موفقیت در تمام سطح زندگی باشد و ابعاد هوش هیجانی می‌تواند پیامدهای مهم زندگی را پیش‌بینی کند. بر این اساس و با توجه به مطالب ذکر شده سوال اصلی پژوهش حاضر این بود که آیا بین تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در نوجوانان دختر با و بدون پدر وابسته به مواد تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر با و بدون پدر پدر وابسته به مواد شهرستان رشت در دوره متوسطه دوم سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بود. نمونه این پژوهش از ۶۰ نفر دانش‌آموز دختر دارای پدر معتاد و ۶۰ دانش‌آموز دختر بدون پدر پدر وابسته به مواد تشکیل شد که به صورت در دسترس انتخاب شدند. لازم به ذکر است که تمامی مجوزهای لازم قبل از اجرای پژوهش از سازمان‌های مربوطه گرفته شد. همچنین ملاحظات اخلاقی در این پژوهش کاملاً رعایت شد، به گونه‌ای که به شرکت‌کنندگان در زمینه محرمانه ماندن و استفاده صرفاً پژوهشی اطلاعات اطمینان خاطر داده شد و آن‌ها با رضایت کامل در محیطی آرام و بدون تنیدگی، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند.

ابزار

۱- مقیاس تعارض والد-فرزند: این مقیاس دارای ۱۵ سوال است که سه راهبرد استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. پنج سوال اول (۱، ۲، ۳، ۴ و ۵) استدلال، پنج سوال دوم (۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰) پرخاشگری کلامی و پنج سوال سوم (۱۱، ۱۲،

1. Reis
2. Mikolajczak, Petrides & Hurry

3. Herrera, Buitrago, Lorenzo & Badaea

۱۳، ۱۴ و ۱۵) پرخاشگری فیزیکی را ارزیابی می کنند. سوالات پرسش نامه دارای پنج درجه از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) است. نمرات بالا در هر خرده مقیاس نشان دهنده تعارض بالا است (به نقل از جوانی، شریعتمدار و فرخی، ۱۳۹۴). زابلی، ثنایی ذاکر و علی حمیدی (۱۳۸۴) پایایی پرسش نامه را برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای مقیاس استدلال، پرخاشگری کلامی و فیزیکی به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۶۵ و ۰/۸۲ گزارش کرده اند. نمرات بالا در خرده مقیاس استدلال نشان دهنده تعارض و استفاده کمتر از راهبردهای استدلال است. همچنین مرادی و ثنایی (۱۳۸۵) پایایی آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ برای کل آزمون و برای خرده مقیاس های استدلال، پرخاشگری کلامی و فیزیکی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۹ و ۰/۷۶ گزارش کرده اند.

۲- مقیاس هوش هیجانی شوت^۱: این مقیاس ۳۳ سوال دارد که به وسیله شوت و همکاران (۱۹۸۸) براساس الگوی هوش هیجانی مایر و سالوی (۱۹۹۰) ساخته شده است. این مقیاس به صورت لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) پاسخدهی و نمره گذاری می شود. مقیاس هوش هیجانی شوت از سه مولفه تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره برداری هیجان تشکیل شده است و دامنه نمره کل آن از ۳۳ تا ۱۶۵ است (به نقل از شفیع تبار، خداپناهی و صدق پور، ۱۳۸۷). گویه های ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰ و ۳۱ مربوط به مولفه تنظیم هیجان، گویه های ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۵ و ۲۹ مربوط به مولفه ارزیابی هیجانی و گویه های ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ مربوط به بهره برداری از هیجان هستند (خسرو جاوید، ۱۳۸۱). سیاروچی، دین و اندرسون^۲ (۲۰۰۲) پایایی این ابزار را روی نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ ساله ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس های ارزیابی و ابزار هیجان، تنظیم هیجان و بهره برداری به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۶ و ۰/۵۵ گزارش نموده اند. خسرو جاوید (۱۳۸۱) پایایی مقیاس هوش هیجانی کل را بر پایه آلفای کرونباخ ۰/۸۱ گزارش نموده است.

یافته‌ها

در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیر تعارض به تفکیک گروه‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیر تعارض به تفکیک گروه‌ها

متغیر	پدر وابسته به مواد		پدر بدون وابسته به مواد	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
استدلال	۱۵/۵۰	۳/۸۲	۹/۰۶۶	۳/۹۵
پرخاشگری کلامی	۱۸/۵۰	۳/۸۲	۱۵/۲۵	۳/۰۸
پرخاشگری فیزیکی	۱۷/۵۵	۴/۱۸	۱۵/۵۱	۳/۳۹

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین متغیر استدلال در دانش آموزان دختر دارای پدر وابسته به مواد بیشتر از دانش آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است. همچنین میانگین نمرات متغیرهای پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی در دانش آموزان دختر با پدر وابسته به مواد بیشتر از دانش آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است.

به منظور مقایسه زیرموقفه‌های متغیر تعارض در دو گروه از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. پیش از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری باید مفروضه‌های آن مورد بررسی قرار گیرند. نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در گروه‌ها معنی‌دار نبود، لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع این متغیرها نرمال بود. برای بررسی فرض همگنی ماتریس واریانس-کواریانس‌ها از آزمون ام. باکس استفاده شد و نتایج نشان داد که این مفروضه برقرار است ($F=1/55, P>0/05$). همچنین از آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای متغیرها استفاده شد. براساس نتایج، پیش فرض همگنی واریانس خطای متغیرها در بین گروه‌ها برقرار بود ($P>0/05$). نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیری جهت مقایسه زیرموقفه‌های متغیر تعارض حاکی از تفاوت نمرات در دو گروه بود ($P<0/001, F=11/24, =0/77$ لامبدای ویلکز). برای بررسی الگوی تفاوت از تحلیل واریانس تک متغیری به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی زیرمؤلفه های تعارض والد-فرزند

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری
استدلال	۳۸۱/۶۳	۱	۳۸۱/۶۳	۲۵/۲۰	۰/۰۰۱
پرخاشگری کلامی	۳۱۴/۸۷	۱	۳۱۶/۸۷	۲۶/۲۱	۰/۰۰۱
پرخاشگری فیزیکی	۱۲۴/۰۳	۱	۱۲۴/۰۳	۸/۵۴	۰/۰۰۴

با توجه به مقادیر به دست آمده آماره F و سطح معنی داری نمایش داده شده در جدول ۲ واضح است که میانگین نمرات استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی در دو گروه تفاوت معناداری دارد. بدین صورت که میانگین نمرات استدلال در دانش آموزان دختر دارای پدر وابسته به مواد بیشتر از دانش آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است و میانگین نمرات متغیرهای پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی در دانش آموزان دختر دارای پدر وابسته به مواد بیشتر از دانش آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است.

در جدول ۳ آماره های توصیفی متغیر هوش هیجانی به تفکیک گروه ها ارائه شده است.

جدول ۳: آماره های توصیفی متغیر هوش هیجانی به تفکیک گروه ها

متغیر	پدر وابسته به مواد		پدر بدون وابسته به مواد	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تنظیم هیجان	۲۱/۶۳۳	۷/۴۶	۳۲/۱۵	۸/۷۸
ارزیابی بیان هیجان	۳۰/۶۸	۹/۹۲	۳۷/۶۱	۱۰/۵۶
بهره برداری هیجان	۲۸/۶۰	۹/۲۸	۳۸/۰۶	۹/۴۸

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود، میانگین متغیرهای تنظیم هیجان، ارزیابی بیان هیجان و بهره برداری هیجان در دانش آموزان دختر با پدر وابسته به مواد کمتر از دانش آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است.

به منظور مقایسه تنظیم هیجان، ارزیابی بیان هیجان و بهره برداری هیجان در دو گروه از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. ابتدا مفروضه های آن مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در گروه ها معنی دار نبود، لذا می توان نتیجه گرفت که توزیع این متغیرها نرمال بود. به منظور

بررسی فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس‌ها از آزمون ام. باکس استفاده شد که نتایج حاکی از برقراری این مفروضه بود ($F=1/52$ ، $P>0/05$). همچنین از آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس‌های خطای متغیرها استفاده شد. منطبق بر نتایج، پیش فرض همگنی واریانس خطای متغیرها در بین گروه‌ها برقرار بود. نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیری جهت مقایسه زیرمولفه‌های هوش هیجانی حاکی از تفاوت نمرات در دو گروه بود ($F=11/19$ ، $P<0/001$ ، $F=0/73$ لامبدای ویلکز). برای بررسی الگوی تفاوت از تحلیل واریانس تک متغیری به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی مولفه‌های هوش هیجانی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری
تنظیم هیجان	۷۲۲۳/۰۰	۱	۷۲۲۳/۰۰	۱۰۸/۷۱	۰/۰۰۱
ارزیابی بیان هیجان	۱۴۴۲/۱۳	۱	۱۴۴۲/۱۳	۱۳/۷۲	۰/۰۰۱
بهره‌برداری هیجان	۲۶۸۸/۵۳	۱	۲۶۴/۰۳	۳۰/۵۲	۰/۰۰۱

با توجه به مقادیر به دست آمده آماره F و سطح معنی‌داری نمایش داده شده در جدول شماره ۴ واضح است که میانگین نمرات تنظیم هیجان، ارزیابی بیان هیجان و بهره‌برداری هیجان در دو گروه تفاوت معناداری دارد. بدین صورت که میانگین متغیرهای تنظیم هیجان، ارزیابی بیان هیجان و بهره‌برداری هیجان در دانش‌آموزان دختر با پدر وابسته به مواد کمتر از دانش‌آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور مقایسه تعارض والد-فرزند و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم با و بدون پدر وابسته شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ انجام شد. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان دختر بدون پدر وابسته به مواد از تعارض والد-فرزندی کمتری نسبت به دانش‌آموزان با پدر معتاد، برخوردارند. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های مدبرنیا و همکاران (۱۳۹۲)، پرویزی و همکاران (۱۳۸۷)، آقا و همکاران (۲۰۰۸)، نیک و همکاران (۲۰۱۶) و کندی و همکاران (۲۰۱۶) است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان ادعان داشت که روابط مثبت و مؤثر باعث شکوفایی، کمال انسان و مبنای اولیه

پیوند با دیگران است. در حالی که ارتباطات غیر مؤثر با دیگران مانع شکوفایی انسان می‌شود. به عبارت دیگر اساس زندگی و خوشبختی انسان را ارتباطات میان فردی مؤثر تشکیل می‌دهد (دیباچی فروشانی، امامی‌پور و محمودی، ۱۳۸۸). ارتباطات به‌عنوان یک منبع اصلی خودارزشمندی و رضایت از زندگی به شمار می‌آید. همان‌طور که روابط بین فردی مثبت می‌تواند رضایت از زندگی را در پی داشته باشد، وجود تعارض در روابط هم می‌تواند کاهش رضایت از زندگی و پیامدهای منفی در سطوح مختلف را در پی داشته باشد. از آنجا که والدین مهم‌ترین نقش را در زندگی فرزندان خود دارند، در نتیجه وجود تعارض و کشمکش بین والدین و فرزندان می‌تواند جوانب مختلف زندگی حال و آینده فرزندان را تحت تاثیر قرار دهد. علاوه بر این، در دوره نوجوانی به دلیل ظهور نیازهای جدید و تفاوت نیازهای نوجوان با والدینشان و تلاش هر یک از طرفین بر کنترل دیگری، مخالفت‌ها و تعارض بیشتر می‌شود. این تعارض‌ها سبب از بین رفتن فضای صمیمیت بین والدین و فرزند و فاصله عاطفی می‌شود و آرامش روانی نوجوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (حاجی حسنی، اعتمادی و آراین، ۱۳۹۱). بر همین اساس می‌توان گفت که تعارض‌های والد-فرزند می‌تواند از اعتیاد پدران تاثیر بپذیرد. بدین معنا که می‌توان اعتیاد پدران را به عنوان عاملی مؤثر در افزایش تعارض‌های والد-فرزند در نظر داشت.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که نوجوانان دختر دارای پدر وابسته به مواد نسبت به نوجوانان دختر بدون پدر وابسته به مواد از هوش هیجانی کمتری برخوردار بودند. این یافته‌ها همسو با مطالعات رایس و همکاران (۲۰۰۷)، میکلازاک و همکاران (۲۰۰۹) و هررا و همکاران (۲۰۱۵) است. یکی از نظریه‌هایی که در مورد سبب‌شناسی اعتیاد پیشنهاد شده است به این موضوع اشاره دارد که افراد برای رهایی از حالات عاطفی آزارنده و تنش‌های هیجانی به سوء مصرف دارو یا مواد روی می‌آورند. به اعتقاد این دسته از نظریه‌پردازان افرادی که به لحاظ هیجانی باهوش هستند، فشارهای همتایان را درک می‌کنند و از عهده کنترل هیجان‌های خود بر می‌آیند و در نتیجه از استعداد اعتیاد کمتری برخوردار هستند و در برابر مصرف مواد مقاومت بیشتری به خرج می‌دهند. در مقابل

افرادی که هوش هیجانی پایینی دارند، برای مقابله با هیجان‌های منفی به مصرف مواد روی می‌آورند (هرمن^۱، ۲۰۰۰؛ سنها^۲، ۲۰۰۱؛ مارتینز، رامالهو و مورین^۳، ۲۰۱۰). در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افرادی که از نظر هوش هیجانی به رشد کافی رسیده‌اند در مقابل فشارها و مشکلات دنبال راه حل مناسب و کارآمد هستند. در این راستا مایر و سالووی (۱۹۹۷) هوش هیجانی را به عنوان شکلی از هوش اجتماعی می‌دانند که پیش‌بینی‌کننده مناسبی به لحاظ کارآمدی در حیطه‌های خاص نظیر عملکرد شغلی و تحصیلی است. به بیان دیگر، هوش هیجانی توانایی کنترل و درک احساسات و هیجانات خویشتن و دیگران است که مهارت‌هایی مانند توانایی ارزیابی و ابراز صحیح هیجان (توانایی‌های درون‌فردی)، توانایی ارزیابی هیجان‌ها در دیگران (توانایی‌های میان‌فردی)، توانایی تنظیم مؤثر هیجان‌ها و توانایی به کارگیری احساسات برای هدایت رفتار را شامل می‌شود. پرورش و رشد ویژگی‌های هوش هیجانی همچون درک، توصیف، فهم و مدیریت احساس در فرزندان موجب مقابله کارآمد افراد با اتفاقات مهم زندگی می‌شود و نتایجی همچون کیفیت مطلوب روابط، رضایت شغلی و تحصیلی را در آینده در پی خواهد داشت (گلدسی^۴، فرانک و آمی^۴، ۲۰۰۹). بر همین اساس می‌توان بیان کرد که اعتیاد پدران می‌تواند بر هیجانی دخترانشان تاثیرگذار باشد که این اثر می‌تواند از ابعاد مختلف زیستی، شناختی، رفتاری و تربیتی اتفاق بیفتد. در واقع باید در نظر داشت که اعتیاد پدران با هوش هیجانی دختران‌شان در ارتباط است و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سطوح پایین هوش هیجانی در آن‌ها باشد. بدین صورت که اعتیاد پدران روابط میان فردی اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در نتیجه تعارضات بین فردی در خانواده، فرزندان به اندازه کافی مهارت‌های هیجانی لازم را فراموش می‌گیرند و این موضوع در ابعاد مختلف زندگی آن‌ها تاثیرگذار است. لذا بایستی به خانواده افراد وابسته به مواد توجه ویژه‌ای شود تا از به وجود آمدن آسیب‌های احتمالی به ویژه برای فرزندان جلوگیری شود.

جامعه آماری این پژوهش محدود به دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم در سال

تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بود. به همین دلیل در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و مناطق دیگر باید جانب احتیاط رعایت شود. عدم امکان کنترل عواملی همچون شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرکت کنندگان از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به نقش آموزش‌های خانوادگی و آموزش‌های هوش هیجانی در کاهش تعارضات خانوادگی در افراد وابسته به مواد پرداخته شود. پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های خانوادگی جهت کاهش تعارض والد-فرزند در خانواده‌های افراد وابسته به مواد انجام شود. پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های هوش هیجانی جهت افزایش هوش هیجانی در خانواده‌های افراد وابسته به مواد انجام شود.

منابع

- برجعی، احمد (۱۳۹۲). اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کاهش تعارضات والد-فرزندی در نوجوانان. *مجله علوم رفتاری*، ۷(۱)، ۶-۱.
- پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل‌الله و نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۴). از هویت تا سلامت: تبیین تئوریک مفهوم سلامتی از دیدگاه نوجوانان. *مجله طی و ترکیه*، ۱۴(۵۹)، ۳۷-۲۷.
- جوانی، لیلیا؛ شریعتمدار، آسیه و فرخی، نورعلی (۱۳۹۴). بررسی رابطه تعارض والد-فرزند و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان با رضایت از زندگی آن‌ها. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۱۴(۵۶)، ۴۴-۲۵.
- حاجی حسنی، مهرداد؛ اعتمادی، احمد و آرین، سیدخدیجه (۱۳۹۱). اثربخشی گشتالت درمانی و درمان شناختی-رفتاری بر میزان ابراز وجود دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۲(۳)، ۱۶-۱.
- خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱). *بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.
- دیباچی فروشانی، فاطمه سادات؛ امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی زناشویی زنان. *مجله اندیشه و رفتار*، ۳(۱۱)، ۸۷-۱۰۱.

- زابلی، پریسا؛ ثنایی ذاکر، باقر و علی حمیدی، منصور (۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش روان‌نمایش - گری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض دختران با مادران دانش‌آموز سال اول دبیرستان منطقه ۲ تهران. *مجله پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۴(۱۳)، ۸۱-۹۸.
- شفیعی تبار، مهدیه؛ خداپناهی، محمد کریم و صدق‌پور، صالح (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی و عوامل پنجگانه شخصیت در دانش‌آموزان. *مجله علوم رفتاری*، ۲(۲)، ۱۷۳-۱۸۲.
- مدبرنیا، محمد جعفر؛ میرحسینی، سید کامبخش؛ تبری، رسول و عطرکار روشن، زهرا (۱۳۹۲). عوامل موثر بر اعتیاد به مواد مخدر در افراد ۱۵ تا ۳۰ سال: یک مطالعه کیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، ۲۲(۸۷)، ۷۷-۷۰.
- مرادی، امید و ثنایی، باقر (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعارضات والد-فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران. *مجله پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۵(۲۰)، ۳۸-۲۳.
- Agha, S., Zia, H., & Irfan S. (2008). Psychological problems and family functioning as risk factors in addiction. *Journal of Ayub Medical College Abbottabad*, 20(3), 88-91.
- Ciarrochi, J. V., Dean, F. P., & Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Journal of Personality and Individual Differences*, 32(2), 192-209.
- Domenico, D., & Windle, M. (1993). Intrapersonal and interpersonal functioning among middle-aged female children of alcoholics. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(4), 659-666.
- Extremera, N., & Rey, L. (2016). Ability emotional intelligence and life satisfaction: Positive and negative affect as mediators. *Personality and Individual Differences*, 102(2016), 98-101.
- Fitzgerald, H. E., Sullivan, L. A., Ham, H. P., Zucker, R. A., Bruckel, S., Schneider, A. M., & Noll, R. B. (1993). Predictors of behavior problems in three-year-old sons of alcoholics: Early evidence for the onset of risk. *Child Development*, 64(1), 110-123.
- Gladys, S. L., Frank, J. H., & Amy, H. W. (2009). Exploring the relationships of physical activity, emotional intelligence and health in Taiwan College Students *Journal of Exercise Science and Fitness*, 7(1), 55-63.
- Hawley, N. P., & Brown E. L. (1981). The use of group treatment with children of alcoholics. *Families in Society: The Journal of Contemporary Social Services*, 62(1), 40-46.
- Herman, M. (2000). Psychotherapy with substance abusers: integration of psychodynamic and cognitive-behavioral approaches. *American Journal of Psychotherapy*, 54(4), 574-580.

- Herrera, L., Buitrago, R. E., Lorenzo, O., & Badea, M. (2015). Socio-Emotional Intelligence in Colombian Children of Primary Education. An Analysis in Rural and Urban Settings. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, 4-10.
- Kennedy, S. C., Kim, J. S., Tripodi, S. J., Brown, S. M., & Gowdy, G. (2016). Does Parent-Child Interaction Therapy reduce future physical abuse? A meta-analysis. *Research on social work practice*, 26(2), 147-156.
- Leung, C., Tsang, S., Sin, T. C., & Choi, S. Y. (2015). The efficacy of parent-child interaction therapy with Chinese families: Randomized controlled trial. *Research on Social Work Practice*, 25(1), 117-128.
- Martins, A., Ramalho, N., & Morin, E. (2010). A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences*, 49(6), 554-564.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence?* In P. Salovey & J.D. Mayer(ed). Emotional development and emotional intelligence, (pp: 3-31). New York: Basic Books.
- Mikolajczak, M., Petrides, K. V., & Hurry, J. (2009). Adolescents choosing self-harm as an emotion regulation strategy: The protective role of trait emotional intelligence. *British Journal of Clinical Psychology*, 48(6), 181-193.
- Niec, L. N., Barnett, M. L., Prewett, M. S., & Shanley Chatham, J. R. (2016). Group parent-child interaction therapy: A randomized control trial for the treatment of conduct problems in young children. *Journal of consulting and clinical psychology*, 84(8), 682-701.
- Ozmete, E., & Bayoglu. A. S. (2009). Parent- young adult conflict: A measurement on frequency and intensity of conflict issues. *Journal of international social research*, 2(8), 313-322.
- Reis, D. L., Brackett, M. A., Shamosh, N. A., Kiehl, K. A., Salovey, P., & Gray, J. R. (2007). Emotional Intelligence predicts individual differences in social exchange reasoning. *NeuroImage*, 35(3), 1385-1391.
- Salovey, P., Mayer, J. D., Goleman, S.L., Turvey, C., & Palfai, T. P. (1995). Emotional attention clarity and repair: Exploring emotional intelligence using the Trait Meta-Mood Scale. In J.W. pennebaker (ed). Emotion disclosure and health (pp: 125-154). Washington, DC: American Psychological Association.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25(2), 167-177.
- Sher, K. J., Walitzer, K. S., Wood, P. K., & Brent, E. E. (1991). Characteristics of children of alcoholics: Putative risk factors, substance use and abuse and psychopathology. *Journal of Abnormal Psychology*, 100(4), 427-448.
- Sinha, R. (2001). How does stress increase risk of drug abuse and relapse? *Psychopharmacology*, 158(4), 343-359.
- West, R., & Brown, J. (2013). *Theory of addiction* (2nd ed.): Wiley-Blackwell. (pp: 9-28).